

تحولات در حزب کمونیست کارگری

(مصاحبه با رحمان حسین زاده)



اکتبر: بیانیه کناره‌گیری اکثریت کمیته مرکزی از حزب کمونیست کارگری و اطلاعیه ایجاد حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، از نظر ناظر بیرونی تحولی سریع و مهم را در جنبش کمونیسم کارگری نشان می‌دهد. دلایل این تحول چه بود؟

رحمان حسین زاده:

نه تنها از نظر ناظر بیرونی، بلکه برای ما در رهبری حزب کمونیست کارگری و همه فعالین و اعضای آن روند این تحول شتاب سریعی به خود گرفت. قطعاً اختلاف سیاسی اساسی در برخورد به حزب و استراتژی آن برای کسب قدرت سیاسی، استنتاجات مختلف از مباحثات مهم منصور حکمت در کنگره های دوم و سوم و دیدگاههای مختلف در برخورد به

تاکتیک سیاسی و حتی جایگاه حزب سیاسی در تحولات اجتماعی و نحوه پیشبرد حزب و هدایت آن، مبنای چنین شکاف بزرگ و جدایی در حزب کمونیست کارگری است. این حزب اکنون به دو بخش تقسیم شده است. اکثریت کمیته مرکزی و اسکلت کادری آن از این حزب جدا شده و حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست را تشکیل دادیم. وجود اختلاف سیاسی و به طور کلی وجود **صفحه ۴**

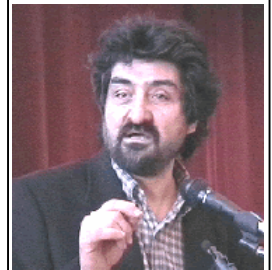
در باره انتشار اولین شماره اکتبر

ایرج فرزاد

کردیم با خط و سیاستی که منصور حکمت در برابرمان گذاشته بود، از این پس تعهد خود به حکمتیسم و کمونیسم اجتماعی و دخالتگر را در اکتبر پی گیری می‌کنیم. در هر حال علاقمندان به نشریه آشنای ایسکرا را دعوت می‌کنم که پیوستگی رابطه خود را در اکتبر تداوم بدهند. اما بعنوان کسی که سردبیری تا شماره ۲۲۴

این شماره نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به نام ایسکرا منتشر نیشود، نام ایسکرا را به حزب کمونیست کارگری ایران واگذار کردیم. ما ۲۲۴ شماره ایسکرا منتشر

صفحه ۲



منصور حکمت

پیام به کارگران، زنان، جوانان و همه آزادیخواهان!

دوستان!

ابتدا می‌خواستم به عنوان دبیر کمیته سندج حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیامی برای مردم سندج بفرستم. اما ترجیح میدهم قبل از هر چیز به عنوان یک انسان کمونیست، برابری طلب و آزادیخواه با همه شما کارگران، زنان، جوانان و مردم **در صفحه ۳**



مظفر محمدی

در صفحات دیگر این شماره اکتبر

اطلاعیه های جدائی از حزب کمونیست کارگری ایران و اطلاعیه اعلام موجودیت حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

اطلاعیه پیوستن کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

اطلاعیه های پیوستن کمیته های: سندج، سقز، میروان و پاره و اورامانات و بوکان حزب کمونیست کارگری ایران به حزب کمونیست حکمتیست

در باره سفر خانمی به کردستان مصاحبه با مظفر محمدی
دو اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
در باره رفتار اهانت آمیز با کارگران افغانی و
اعلام اعتصاب سراسری کارگران در روز ۱۷ شهریور
در باره قتل‌های ناموسی گلاویز قادرنژاد

صفحات ۶، ۹ و ۱۰

سایت حزب
کمونیست
کارگری ایران
- حکمتیست:
www.hekmatist.com

مسئول سایت:

نسرین جلالی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در باره انتشار اولین شماره اکتبر

ایسکرا را بر عهده داشته ام، لازم میدانم در مورد دلایل جدائی ما حکمتیستها از حزب کمونیست کارگری ایران و تصمیم به ادامه فعالیت حزبی در چهارچوب حزب کمونیست حکمتیست با خوانندگان چند کلمه ای سخن بگویم:

در تاریخ تحزب کمونیسم کارگری تاکنون دو بار جدائی صفوف و واگرائی گرایشهای متضاد اتفاق افتاده است.

یک بار در بحبوحه تلاش منصور حکمت برای معرفی کمونیسم کارگری و تفاوتهای آن با دیگر گرایشات درون حزب کمونیست ایران در سال ۱۹۹۱ و بار دوم پس از طرح بحث حزب و قدرت سیاسی در کنگره دوم حزب کمونیست کارگری ایران. مشروح این جدا شدن و علل پایه ای اختلافات خوشبختانه اکنون مکتوب و مستند اند و هر کسی میتواند با مراجعه به سایت منصور حکمت و نیز سایت حزب ما: www.hekmatist.com

و انبوه اسناد مباحثات این دوره ها، یک قضاوت ایزکتیو و واقعی بدست آورد. کسی که دیگر در فضای هیاهوهای زودگذر آن دورانها بسر نمیرد، خواهد توانست با آسودگی و خونسردی به ادعاهای دیگرانی که مسیر خود را گرفتند و رفتند بنگرد و با موقعیتی که آن گرایشات همراه با تمام ادعاهای پوچ و بی پایه در بستر عینی گرایشات پیدا کردند، مقایسه کند.

در دور اول انشقاق و واگرائی گرایش کمونیسم کارگری و گرایش حفظ وضع موجود، خط حزب داری و بی توجهی مطلق به تحولات عظیمی که دنیا را در بر گرفته بود، خط ساتر، زنگ خطر زمین لرزه سیاسی عظیمی که طلایه هایش با سستی و ریزش اردوگاه سرمایه داری دولتی بنیاد سوسیالیسم را نشانه گرفته بود، یک گرایش عقب مانده ناسیونالیسم کرد از درون، با به قدرت رسیدن احزاب ناسیونالیستی در کردستان عراق، سر برآورد، تمام توره های نجات کمونیسم و سوسیالیسم را تشریفاتی و دست و پاگیر دید و به آن سوئی رفت که اکنون به وضوح در شعارهایش، در پرچم ملی اش و در غرق شدن در

تعصبات قومی و عرق خونی اش مقابل چشم همگان است.

اما همین گرایش آنوقتتها با شعارهای فعلی اش نرفت، در تقابل با منصور حکمت و کمونیسم کارگری، "چپ بود، مدافع انقلاب" مردم و "شوراهای آنها" بود و منصور حکمت و کمونیسم کارگری فرد و جریان بود که "انقلاب را تخطئه کردند" در دوره هیاهوی رفتن اینها به سوی بستری که اکنون کاملاً در آن جا خوش کرده اند، آنها "چپ" و منصور حکمت و کمونیسم کارگری راست و دشمن انقلاب و شورا ... نام می گرفت!! مدت کوتاهی اما نگذشت که تصمیم به تشکیل حزب نفرت را از لاپلائی تعارفات عوامفریبانه و قسم و آیه به انقلاب و شورا و ... اعلام کردند.

کتاب بحران خلیج از این نظر، جالب است، خواندن این کتاب و آشنائی با مباحث آن دوره، کلیدی هم برای شناخت علت تصمیم ما به ایجاد حزب جدید بدست میدهد. اما در مرحله دیگری باز تحولات دیگر و انشقاق و واگرائیهای دیگری در حزب کمونیست کارگری رخ دادند. منصور حکمت در کنگره دوم حزب با طرح بحث حزب و قدرت سیاسی چند تا "کفر" کرد. همین کفرها طی مدت کوتاهی پس از کنگره باز عده دیگری را به صرافت کشف انحرافات ایدئولوژیک منصور حکمت و "نوآوریها" و "تجدید نظر طلبی" های کمونیسم کارگری کشاند، داستان شورشیان اوریل و یا مستعفیون را در سال ۲۰۰۰ شاهدیم، از همان ابتدای شروع اختلافات فوراً مشخص شد، که هسوئی با دوخرداد و پروژه اصلاح رژیم اسلامی نمیتوانست خود را در یک حزب مارکسیستی و انقلابی به همان عنوان طرح کند. به طبقه آویزان شدند، منصور حکمت رویزیونیست و تجدید نظر طلب در اصول مارکسیستی و حتی مخالف "انترناسیونالیسم" کارگری نام گرفت، راست شد، بلانکیست لقب گرفت و آکادمیسم دوخردادی با پرچم "چپ" و دفاع از اصالت مارکسیسم و "ماکسیمالیسم" صفوف حزب را ترک کردند. بررسی آن ادعاها و موقعیت و جایگاه فعلی

آن گرایش اکنون دیگر بسیار ساده است. اسناد و مکتوبات این دوره هم در نوع خود جالب اند. و تصور اینکه هر انسان جویای حقیقت به اندازه سرسوزنی ادعاها و هیاهوها و عبارت پردازیهای "چپ" در مقطع جدائی را باور کند، از ناممکنات است. طرفدار اصلاح رژیم بودند و مدافع پروژه های بانک جهانی، گفتند انقلاب کار طبقه کارگر است. و سرگونی طلبی فقط هیاهو است. میخواستند اپوزیسیون دوخردادی را در حزب کمونیست کارگری ایجاد کنند و میدان را تنگ دیدند، گفتند منصور حکمت مارکسیست قدیم است. و عجب تلاقیهای خیره کننده ای!

روند سوم در فاز دیگر و در شرایط دیگر آغاز شد. ما پس از مرگ منصور حکمت شاهد تلاش مجدد و فعال شدن یک گرایش چپ غیر اجتماعی در حزب کمونیست کارگری بودیم، بحثها و جدلهای داغ و پرحرارتی درگرفت، پس از کنار زدن حشو و زوائد، بالاخره حمید تقوئی ناچار شد پس از یک پروسه بیان مواضع خود به شکل قطره چکانی، اعلام کند که بحث حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت را قبول ندارد، که باید "شورا" و "انقلاب" حزب را به قدرت برساند، که بحث حزب و قدرت سیاسی، بحث "شفاهی" منصور حکمت بوده اند و به این اعتبار حتی خود منصور حکمت به آنها باور نداشته است، دلیل: چرا پس خود منصور حکمت آن بحثها را کتبی نکرد! اما در شرایط فقدان منصور حکمت و اتوریته بالمانذری که از میان ما رفته بود، قطعی شدن گرایشات درون حزب زمان بیشتری طول کشید، تاکتیکیها و روشهای بحث گرایش چپ غیر اجتماعی دو تجربه پیشین را داشت و این بار همان پرچم های قدیم، اما در رهبری حزب بالا رفت. کار اقتناع صفوف حزب و روشن کردن اذهان سخت تر و دردناک تر شد. پس از یک دوره از بحثهای پرحرارت و بویزه طی چند ماه اخیر، کنه و محتوای واقعی چپ غیر اجتماعی در تمام وجوه بیرون زد، ما کماکان همه تلاشمان را انجام دادیم که این اختلافات متمدانه پیش روند، هر آنچه را که قابل تصور بود برای حفظ وحدت حزب انجام دادیم، راهمان را کج کردیم و حتی صراحتاً

گفتیم که نفس اختلافات سیاسی دلیلی برای جدا کردن صف ما نخواهد بود، همه قول و قرارهای مصوب و رسمی یکجانبه و خودسرانه لغو و باطل اعلام شدند، اتوریته و تاریخ چندین ساله مبارزه کمونیستی خود را پشت سر حمید تقوئی بردیم، در جلسه رسمی دفتر سیاسی ما به گفت: کلاه سر ما رفته است!! تلاش کردند کنگره چهار را طبق مناسبات کربدوری و محفلی به یک کودتا تبدیل کنند، نتوانستند. ما وحدت حزب را کماکان چسبیدیم، اما بعدها و علیرغم سخنرانیهای رسمی در همان کنگره و بیانیه رسمی پلنوم بعد از کنگره ۴ در تقدیر از شخص کورش مدرسی، گفتند این کنگره پیروزی خط چپ بر راست بود و کورش مدرسی "مرتد" است!! پس از نامه مشترک حمید تقوئی و رئیس دفتر سیاسی دال بر اینکه بلوکهای چپ و راست پوچ است و کنگره ۴ تعلق به هیچ جناح و بلوکی ندارد، مجدداً از جانب خود حمید تقوئی بحث چپ و راست و حتی تصمیم برای تعیین تکلیف و غسل تعمید حزب از "راست" اعلام شد. در جریان بحثهای درونی اخیر دیگر ما به این نتیجه رسیدیم که گرایش چپ فرقه ای تصمیم خود را برای تغییر سرنوشت سیاسی حزب گرفته است. حتی در مراحلی که امید به زندگی در حزب واحد برایمان باقی نماند، بیانیه مشهور به بیانیه ۲۱ نفر از کمیته مرکزی را صادر کردیم و گفتیم چنانچه بخشی از رهبری حزب تحت پرچم جمید تقوئی مصمم باشد که از حزب کمونیست کارگری یک فرقه غیر اجتماعی بسازد و بر تصمیم خود برای انقلاب و تزکیه ایدئولوژیک در فراخوان یک مناسک فوق العاده غسل تعمید ایدئولوژیک پافشاری کند، ما به منظور حفظ سیمای سیاسی تحزب کمونیسم کارگری راه خود را جدا خواهیم کرد. اعلام تصمیم ما ابتدا با پانییک و متعاقب آن با یک حرکت کاملاً بی سابقه و محیرالعقول روبرو شد. پلنوم ۲۱ علیرغم فراخوان و تاکید حمید تقوئی لغو و بجای آن تجمع فوق العاده ای بدون هیچ قرار ومدار حزبی و بیگانه با اصول سازمانی کمونیسم کارگری تحت عنوان کنگره مستقیم اعضا، هر عضو یک رای و با انحلال از پیشی حزب با فتوای

شخص حمید تقوئی فراخوان داده شد. قبل از اینکه هیچ مرجع حزبی فرصت یابد که در مورد درستی چنین تصمیم عجیب و غریبی تصمیم بگیرد، تومارها برای جمع آوری امضا چرخانده شدند و بدون اینکه کسی بتواند بر اساس یک برآورد آماری که حتی در مقایسه با یک پروسه تبلیغاتی انتخاباتی متمدانه و مدرن قضاوت ایزکتیوی انجام دهد، حزب عملاً منحل و حمید تقوئی و طرفدارانش خود را نماینده اکثریت نام گذاشتند. چنین کنگره ای به تعبیر صریح این بخش از رهبری حزب، با هدف غسل تعمید ایدئولوژیک برپا میشود. ما گفتیم این دیگرها شدن بی پرده و بی ملاحظه یک گرایش چپ غیر اجتماعی مبتنی بر سنن مائوئیستی است که مرگ سیاسی حزب کمونیست کارگری را هدف گرفته است و کمونیسم کارگری و منصور حکمت را در معرض تهاجم غیر مسئولانه ای قرار داده است. منصور حکمت کنگره می گرفت که تعدادی از انسانهای کمونیست شناخته شده را به جامعه معرفی کند، حمید تقوئی مجمع خلسه ایدئولوژیک فراخوان داد تا همانها را بزیر بکشد. مشکل بی اتوریته ای و آشکار شدن تردید و تزلزلها در مورد صلاحیت سیاسی حمید تقوئی و هم محفلیهایش راه دیگری جز راه انداختن یک تهاجم ضد انتقادی و برپائی مراسم انقلاب ایدئولوژیک برایمان باقی نگذاشت. تمام تلاشهای ما برای سد کردن این گرایش چپ فرقه ای با تبختر و شانه بالا انداختنهای ویژه چپ مریخی روبرو شد. راهی جز جدا کردن مسیر خود و کمونیسم منصور حکمت برایمان باقی نماند. ما حزب کمونیست کارگری حکمتیست را اعلام کردیم و جامعه و خود را از زیر تهاجمی که بنام کمونیسم کارگری توسط گرایش چپ فرقه ای شروع شده بود، نجات دادیم. اما اینجا هم بازار ادعاها و خود فریبی و عوامفریبی داغ شده است، مثل هر دو دوره مصاف کمونیسم کارگری، گرایش چپ فرقه ای درون حزب کمونیست کارگری، "چپ" است، و ما حکمتیستهای کمونیسم کارگری، راست و مخالف انقلاب و طرفدار سازش با بورژوازی!!

پیام مظفر محمدی

ادامه از صفحه اول

آزادیخواه‌های ایران و خارج کشور حرف کوتاهی داشته باشم. این در عین حال دفاع از حرمت انسانی و کمونیستی خود من هم هست. این روزها از جانب کسانی که در حزب کمونیست کارگری ایران با هم بودیم تبلیغاتی علیه ما که با وجود اکثریت بودنمان از این حزب جدا شده و تحت نام حکمتیست به کار خود ادامه می‌دهیم، شروع شده است. این تبلیغات در مدیای حزب کمونیست کارگری ایران، مدیایی که ما تحویلشان دادیم تا جلو ضررهای بیشتری را بگیریم که نمونه هایش در همین مدیا دارد اتفاق می‌افتد، ما را، یعنی رفقا و دوستان و همکاران تا به امروزشان و شخصیت‌های مورد انکای کمونیسم کارگری را یکشبه راست، بورژوا، حجابی و فراری از سوسیالیسم و... معرفی می‌کنند.

این تبلیغات علاوه بر اینکه شخصیت و حرمت انسانی تک تک

ما را زیر سوال برده، اعتبار کمونیسم و کارگر و جنبش کمونیسم کارگری را نیز به شدت خدشه دار نموده است. ما با هم اختلاف سیاسی داشته و داریم، کسی این را انکار نکرده است، اما هیچ اختلاف سیاسی‌ای این حملات تبلیغاتی کثیف و نفرت برانگیز را توجیه نمی‌کند. من شخصا اختلاف سیاسی را سر استراتژی تصرف قدرت سیاسی و یا روشهای تشکیلاتی ناسالم قبل از این دعوای نوشته ام و بار دیگر در فرصت دیگر آن را به اطلاع شما میرسانم. من عمیقا معتقدم که جناحی در حزب که اکنون با همان نام حزب کمونیست کارگری ایران به کارش ادامه می‌دهد، از ترها و سیاستها و روشهای منصور حکمت از قبیل حزب و قدرت سیاسی، حزب و جامعه دور شده است و این سیاستها را به بدیهیاتی چون حزب و انقلاب و یا جزئی تکراری از کل

بحث حزب و جامعه تحت عنوان (تعیین بخشی ...) و غیره تقلیل داده است. همچنین این جناح با متوسل شدن به شیوه های خودسرانه و از بالا، دور زدن ارگانهای رسمی و قانونی و سرانجام بدعتهای انحلال طلبانه چون فراخوان مجمع محفلی اعضای طرفدار خود تحت عنوان "کنگره" به جای کنگره نمایندگان تشکیلاتهای حزب برای تصفیه اکثریت کمیته مرکزی و از این قبیل را جایگزین حریت و روشهای سیاسی و انسانی منصور حکمت در حفظ حرمت انسانها و فراهم کردن بیشترین فرصت برای اظهار نظر آزاد بدون کنکاش ایدئولوژیک، کرده است. این جناح به جای حزب برای تصرف قدرت به حزب تبلیغ و ترویج تبدیل میشود.

با وجود این و تا کنون هیچوقت و تا حالا نه در پلمیک و ارتباطات درون حزب و نه رو به جامعه این اختلافات را بهانه چسپاندن انگه به کسی قرار نداده ام. در آوردن کلماتی از کوهی مباحث و اظهار نظرهای درون حزب و متهم کردن بهترین کمونیستهای جامعه به چیزی که خود جامعه حتی

یک کلمه هم از چرخش آنها به راست یا چپ و غیره در گفتار و عمل و پراتیک آنها نشنیده و ندیده است، علاوه بر اینکه اصلا سیاسی نیست بلکه کاری به شدت ابلهانه و غیر اخلاقی است.

با وجود این ما قویا معتقد بوه و هستیم که با این اختلافات هم میشد در یک حزب سیاسی ماند و بحث کرد و اختلاف داشت و حول سیاستها و اسناد و مصوبات متحد ماند و کار کرد. ما طرفدار یک حزب سیاسی توده ای و بزرگ با میلیونها عضو و دهها هزار کادر و هزاران

تئورسین و نظریه پرداز که با هم اختلاف هم دارند هستیم تا یک فرقه ایدئولوژیک که هر حرکتی بکنی و هر کلمه ای که از دهنش در میاد با معیار ایدئولوژی میسنجد و مخالفش را کافر و مرتد مینامد. حزب فرقه ای هیچ شباهت و نزدیکی با کمونیسم کارگری و حزب سیاسی توده ای برای کسب قدرت سیاسی ندارد. چسپاندن انگ راست، بورژوا، حجابی، فراری از سوسیالیسم و از این قبیل به ما، سنت فرقه های ایدئولوژیک و چپ سنتی است که

تاریخش برای ما آشنا است. این روش با کمونیسم کارگری هیچ قرابتی ندارد و از نظر من مذموم و محکوم است.

این تبلیغات، همچنین در نگران کردن و پانیک کردن به مردم و حتی پاسیو کردن تعدادی از دوستان و سمپاتهای جنبش ما نقش داشته و دارند. شما کارگران، شما زنان، جوانان و مردم آزادیخواه، حق دارید نگران باشید، عصبانی شوید و یا بپرسید، این اتهامات از کجا آمد، در کدام بولتن و کتاب و جزوه و در کدام قطعنامه و قرار و چرا ما از آن

بیخبریم؟

رفقا و دوستان عزیز!

این اتهامات، پوچ، جعل، تحریف و دروغ است. این کار زشت تنها به خاطر منافع حقیر و کوتاه مدتی است که ارزش مصرفش تا قانع کردن و جمع آوری تعدادی به اجتماعی است که هر نامی میشود روی آن گذاشت جز کنگره یک حزب سیاسی جدی. اجتماعی که به هر چیز شباهت دارد جز کنگره و از هر لحاظ فاقد صلاحیت و اعتبار قانونی و در صفحه ۵

در باره انتشار اولین شماره اکتبر

پرچمهای دیگران را در دو دوره سپری شده و در اوج اختلافات و موقعیت پرچمداران را در دنیای واقعی دیدیم و منصور حکمت و کمونیسم کارگری را هم دیدیم. دوران عبارت پردازیهای پوچ و انشا نویسیهای غیر سیاسی دومی نخواهد آورد، مردم تاریخ ما و جایگاه اجتماعی ما، و تداعی شدنمان با منصور حکمت و کمونیسم کارگری را خواهند دید، مجموعه مباحث را خواهند خواند و در کنار کتاب بحران خلیج و مباحث ما در تقابل با تهاجم اپوزیسیون دوزخدادی، قرار خواهند داد، ما را مرور میکنند. حزب کمونیست حکمتیست این تند پیچ تاریخی را نیز با خلاص کردن تحزب خود از زیر فشار و سنگ اندازیهای چپ فرقه ای و سنن مائوئیستی با افتخار و با عزم و اراده مصمم پشت سر خواهد گذاشت. این را در جدالهای تاکتونی در تاریخ خود ثبت و فتح کرده ایم، و کسانی که نه یک بار که چندین بار

ارتداد متهم کرد. متوجه نیستند که رابطه این کمونیسم اجتماعی را با جامعه و قلب میلیونها انسان واقعی نمیتوانند با هیاهوی انقلاب فرهنگی و تزکیه و تصفیه ایدئولوژیک، تخریب کنند. وقتی تعدادی از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران و در راس آنها حمید تقوایی، تصمیم گرفته اند حزب خود را تبدیل به یک فرقه ایدئولوژیک کنند، اولین تظاهر این تصمیم، با مسخ انسانهای فعلا در چهارچوب این حزب و با برپائی مناسک و روابط مبتنی بر تملق متقابل، مرید و مرادی و فتوا و تقلید خودنمایی میکند. نفرت از رفقای چندین ساله و خراب کردن همه پلهای علقه های عاطفی و سیاسی و انسانی با حکمتیستها، قربانیان خود را از صفوف حزب بجا مانده متاسفانه گرفته است. و این از محصولات آغازین هر جمع فرقه ای و غیر اجتماعی است.

ما این دیوار نفرت و این مرزهایی را که در پس آن انسانها به مقوله و عبارات انتزاعی تنزل یافته و مسخ شده اند، دور خواهیم زد، منتظر

میمانیم تا رعهش های خلسه تزکیه و تصفیه ایدئولوژیک فرونشینند، منتظر میمانیم تا اصالت جوهر انسانی و هویت اجتماعی بر این فضای آلوده و عرفان و تصوف فرقه ای چیره شود. آغوش حزب حکمتیستها بروی همه انسانهای شریف و کمونیست باز است، مطمئنیم که این انسانهای شریف، با تصمیم تعدادی از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران برای تبدیل کردن این حزب به یک فرقه غیر سیاسی و غیر اجتماعی، اجازه نخواهند داد تاریخ صفوف این حزب در متن نفرت از کمونیسم منصور حکمت و تکرار دو تجربه شکست خورده سالهای ۱۹۹۱ و ۲۰۰۰ نوشته شود. رابطه کمونیستهای حکمتیست با جامعه و مردم معرفه تر، و شناخته تر از آنست که تصمیم تعدادی از رهبری حزب بجا مانده، بتواند در عزم مشترک ما و منصور حکمت برای بردن کمونیسم به آنجائی که قلب جامعه میزند، خللی وارد کند.

ما در رابطه با عده ای انسان بالغ و تحصیل کرده که غیر مسئولانه عزم

جزم کرده اند، که از یک حزب تاکنون کمونیستی تصویر یک مجمع بی اعتمادی مداوم ایدئولوژیک بسازند و مقام متمحن و مجتهد تزکیه فرقه ای را بجای حزب سیاسی و شخصیت سیاسی برای خود دست و پا کنند، کاری از دستمان ساخته نیست، آنان را بحال خود وامیگذاریم و خود را و تاریخمان را و کمونیسم منصور حکمت را بلاواسطه و فارغ از این مانع تراشیهایی غیر سیاسی در معرض انتخاب جامعه قرار میدهیم.

اکتبر یکی از ابزارها در دست تعداد قابل توجهی کمونیست حکمتیست شناخته شده برای جامعه ایران و کردستان است، تلاش ما این خواهد بود که قاطع و مصمم و بدون تردید و تزلزلهای چپ حاشیه ای که همواره به خود و اطرافیان شك دارد، درست مثل منصور حکمت و با روحیه او، حزب حکمتیستها و اکتبر او را به قلب جامعه ببریم.

زنده باد منصور حکمت

تحولات در حزب کمونیست کارگری

ادامه از صفحه اول

دو خط سیاسی، خط کمونیسم کارگری و خط چپ رادیکال حاشیه‌ای و سنتی هر دو جزو انترگره حزب کمونیست کارگری از بدو تاسیس آن بود. کمونیسم کارگری و خط منصور حکمت در جریان جدایی سال ۱۹۹۱ از حزب کمونیست ایران توانست با گرایش و خط ناسیونالیسم کرد در آن تصفیه حساب نهایی را بکنند. اما کشمکش با راست ناسیونالیست، باعث شد، گرایش چپ حاشیه‌ای و آنچه را که ساتر نامیده میشد، از زیر تیغ انتقاد کمونیسم کارگری بیرون برد. بخشی از جریان ساتر درون حزب کمونیست ایران، به همراه کمونیسم کارگری، در تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران حضور داشت. این جریان تا مقطعی که منصور حکمت به عنوان رهبر و اتوریته بلامنازع کمونیسم کارگری نقش فعال سیاسی در هدایت حزب را داشت، هیچگاه نتوانست میداندار شود. در حاشیه حزب به حیات خود ادامه میداد، روش و سیاست آن نه در پلاتفرم و خط مشی‌ها، بلکه به عنوان عامل بازدارنده و کند کننده در پراتیک پرتوقع حزب خود را نشان میداد. پدیده‌ای که منصور حکمت به نام "خویشاوندی زیادی با چپ سنتی" و "جونیوریزم" بارها آن را نقد میکرد. جونیوریزم، کم توقعی و انتظار پایین و نداشتن جسارت دست بردن به سیاستهای پرتحول و اقدامات هرکولی، عادت داشتن به کار روتین و معمول از صفات مشخصه آن است. در دوران ناظر بودن هژمونی منصور حکمت این خط شانس نداشت. درگذشت منصور حکمت فاجعه بزرگی برای همه از هر دو خط سیاسی و کل جنبش کمونیسم کارگری و جنبش آزادیخواهان بود. علاوه بر تحمل بار عاطفی آن، هر کس و هر گرایشی در رهبری سعی داشتیم، به سهم خود خلایق را در رهبری حزب پرکنیم. در دوره بعد از درگذشت منصور حکمت، تلاش این دو خط سیاسی در عرصه‌های مختلف، تقابل و کشمکش سیاسی را موجب شد. مباحث داغ و اختلافات جدی که حول تعیین لیدر حزب، سقوط

صورت مسئله واقعی و معضلات ایندوره و واقعی حزب را عوض کنند. با ضرب کردن این معضلات سیاسی و تشکیلاتی در جنگ قدرت یکطرفه با مخالفین خود و در راس آنها کورش مدرسی به کمپین سیاسی و تشکیلاتی و شعار تصفیه ایدئولوژیک و تشکیلاتی پناه بردند. در این راستا بازگشت به سنتهای عقب مانده و شناخته شده چپ سنتی و مائویی و روشهای "انقلاب ایدئولوژیک" و "انقلاب فرهنگی" را پیشه کردند. از ابزارهای تشکیلاتی سوء استفاده کردند، در مقابل بحث و نظر سیاسی، به بسیج تشکیلاتی، و دامن زدن به تعصب و احساسات عقب مانده پناه بردند. جلو پیشبرد بحث سیاسی و سالم را گرفتند. از طرح ریزان و رو به جامعه مباحث سیاسی در بولتن مباحثات علنی خودداری کردند، به جای آن با پافشاری بر پخش اسناد دفتر سیاسی، روش غیر اصولی افشاکاری از هم را بر حزب حاکم کردند. در این میان حقیقت سیاسی و مباحث سیاسی را قربانی کردند. سنتها و روشهای بیگانه با کل تاریخ کمونیسم کارگری را احیا کردند. این وضعیت با اعتراض و ایستادگی بخش قابل توجه رهبری و کادریهای حزب روبرو شد. دفاع از دستاوردهای سیاسی و سنتی و تشکیلاتی کمونیسم کارگری به امر عاجلی تبدیل شد و اجازه داده نشد، آن را تثبیت کنند. تقابل این دو خط مشی نه تنها در افق و سیاست، بلکه در روش و منش و سنت سیاسی و عملی بیشتر از هم فاصله گرفتند. همین موقعیت روند شکاف بیشتر و نهایتا جدایی را تسریع بخشید. خلاصه کنم در دو سطح مسئله را باید دید. در سطوح مختلفی اختلاف نظر سیاسی اساسی وجود دارد. اما خود این اختلافات نظرات در فضایی که ایجاد کردند، هنوز مجال طرح و به نتیجه رساندن را پیدا نکردند. هنوز نفس این اختلافات موجب جدایی و تقسیم حزب نبود. اما در سطح دیگر نحوه برخورد به این اختلافات، سیاست ضد انتقادی و "انقلاب ایدئولوژیک" و غسل تعمیدی، سنتها، روشها و شیوه‌های غیر اصولی، غیر حزبی و انحلال طلبانه حمید تقوایی و جناحش آن نوع سیاسی بود، که پروسه این جدایی

را تسریع کرد و اجتناب ناپذیر کرد. **اکتبر:** شما از وجود اختلاف در سطوح مختلفی صحبت میکنید. علاقمندیم بیشتر در مورد محورهای اصلی اختلافات توضیح دهید؟

رحمان حسین زاده:

توضیحات مفصل در این مصاحبه کوتاه ممکن نیست. در مباحثات داخلی و در سمینارهای سیاسی ایندوره به سهم خود به تفصیل در مورد این اختلافات صحبت کرده‌ام. علاقمندان را به دو نوشته خودم به نامهای "محور اصلی اختلاف چیست" و "تعرض به پاسیفیسم و نقشهای برای پیشروی" جلب میکنم. علاوه بر آنها متن کتبی سمینار سیاسی ام در ۲۹ اوت را به زودی منتشر میکنم. این مجموعه از نظرم میتواند تصویر روشنی از "اختلافات ما" را نشان دهد. اینجا به نکاتی اشاره میکنم. خط سیاسی چپ حاشیه‌ای و سنتی به طور اساسی در تمایز با کمونیسم کارگری است. به همین دلیل در دورانی که منصور حکمت خود رهبری را به عهده داشت. ابراز وجود نظری و سیاسی چندانی نداشت. این گرایش صرفنظر از اینکه گاهها مطالب و مقالات سیاسی سطحی داشت، در تعیین سیاست و استراتژی و تاکتیک و نقشه سازمانی حزب نقشی نداشت. این جریان با درگذشت منصور حکمت، در جدلهای درون حزب به مقولات و مفاهیمی برگشت، که قبلا در حزب جا نداشت. آنچه که شاهدیم این خط قدم به قدم کمونیسم کارگری را در عرصه‌های مختلف کنار میگذارد و بازتعریف استراتژی و سیاست و فعالیت سازمانی را در دستور خود قرار دارد. این جهت‌گیری را روشن‌تر از بقیه در مباحث و سیاستهای حمید تقوایی میتوان دید. شاید اولین اختلاف قبل از هر چیز و نگران کننده‌تر از موارد دیگر، خصلت ضد انتقادی این جریان است. اینها خصلت انتقادی و تحول بخش کمونیسم کارگری را گرفته و درست مثل چپ بدون ادعا به وضع موجود و کار روتین راضی‌اند. در مقابل نقد کمونیستی، بی اعتماد بنفس سیاست ضد انتقادی و متعصب و ایدئولوژیک را پیشه کرده‌اند. صراحتا و کتبا استراتژی "حزب و قدرت سیاسی"

کنگره دوم حزب منصور حکمت را به بایگانی سپرده و در مقابل تزه‌های کفرآلود منصور حکمت به تزه‌های قدیمی چپ متعارف "حزب و شورا" و "حزب و انقلاب" را آلترناتیو کرده‌اند. "انقلاب علی العموم" به سیاست حاکم در حزب تبدیل شده و فقط به توصیف "انقلاب" میپردازند. مباحث درخشان منصور حکمت در برخورد به انقلاب در نوشته‌هایی چون "کارگران و انقلاب" و در برخورد به "انقلاب بهمین و انقلاب در کردستان عراق" (رساله دو گام پس منصور حکمت) را به بایگانی سپرده و مهتدی گونه با ابزار "ندیدن انقلاب و تخطئه انقلاب" به جنگ کمونیسم کارگری و خط حکمتی آمدند. برخورد منصور حکمت به مقوله دولت و کل در افزوده مارکسیستی "دولت در دوره های انقلابی" را کنار گذاشته‌اند. حزب و انقلاب در واقع سیاست "حزب و انتظار" و زیر نام آن پاسیفیسم را حاکم کرده‌اند. مبحث مهم "حزب و جامعه" و استنتاجات جامع و کامل از آن تنها به "هویت علنی" پیدا کردن فعالین و رهبران تقلیل داده شده است. این مبحث انتگره با حزب و قدرت سیاسی را، به طور مکانیکی در مقابل حزب و قدرت سیاسی قرار میدهد. کل پدیده حزب سیاسی را به کنار گذاشته‌اند. نه تنها مخالف حزب سیاسی - توده‌ای، بلکه از درک وجود حزب کمونیستی توده‌ای و اجتماعی عاجزند. بحث سناریوی سیاه و سفید منصور حکمت را تمامی به بایگانی سپرده و با مجذوب شدن حول "انقلاب علی العموم" از درک مخاطرات جدی که جامعه را تهدید میکند و به عنوان حزب مسئول لازمست راه حل نشان داد، شانه خالی میکنند. با بازتعریف مجدد فعالیت خارج، بیگانگی خود را با تز و سیاستهای منصور حکمت در این عرصه نشان داده‌اند. سنت و شیوه پیشبرنده شفاف و علنی و ریزان و رو به جامعه را کنار گذاشته، نحوه مباحثات داخلی به سبک چپ سنتی و مالیخولیایی، معج گیری و افشاکاری از هم را دامن زده‌اند. در این نوع مباحثه‌ای که مبتکرش بوده اند، حقیقت جویی و رسیدن به نتایج حقیقی و توافق و همفکری، به کنار و هدف به بیرون کردن "حریف" از صحنه معنا

پیام مظفر محمدی

این تخریب و تلاشی بکار بردم، نتیجه نداد، راهم را جدا کردم، و صرفا به همین خاطر از جانب کسانی که از طرف من مورد انتقاد قرار گرفتند، بورژوا، راست، حجابی، و فراری از سوسیالیسم شدم!! آیا رد این اتهامات شرم آور، نیازی به استدلال دارد؟

دوستان! مطمئنم این اتهامات از نظر شما هم بچوب است. اما چرا مطرح میشوند، این سوالی است که خیلی زود هم از زبان و کار و فعالیت ما و هم در تجربه خودتان متوجه خواهید شد. کمی صبر کنید و حوصله بخرج دهید و از این کمپین ضدیت با فعالین کمونیسم کارگری فاصله بگیرید. به ما فرصت بدهید تا ظرف همین چند هفته آتی این گرد و خاک ها فرو بنشینند و این لجنها که به روی ما پاشیده شده کنار زده شوند. حرفهای ما و پراتیک مشترکمان را با شما که حتی یک روز هم تعطیل نخواهیم کرد مبنا قرار دهید. مطمئنم خیلی زود متوجه خواهید شد که من و امثال من در این حزب چقدر تلاش کردیم که جنبش کمونیسم کارگری منصور حکمت ضعیف نشود. خیلی زود متوجه خواهید شد که دیگر دست ما نبود و این انشقاق به ما تحمیل شد. انشقاقی که همکاران تا دیروز ما در حزب آن را استقبال کردند و گفتند، کمونیسم کارگری از آن

قدرتمند بیرون آمده است! همین استقبال کودکان کافی است که نشان دهد این رفقای ما چقدر خوش خیال و لاقید و بی توجه به جنبش ما و تضعیف آن بوده و هستند. اگر کسی هنوز پیدا شود و تلاشهای ما برای جلوگیری از تضعیف کمونیسم کارگری را انکار کند نمیتواند فردا در خیابان و کوچه های محل کار و زندگیمان مستقیما در چشم من نگاه کند و سرش را پایین نیاندازد.

مطمئن باشید کسانی که به خاطر منافع حقیر و کوچک و موقتی این اتهامات و جعل و تحریفات را بار بهترین رفقای ما تا به امروز خود کرده اند، در مقابل روشن شدن حقایق همین حالا و در آینده بسیار نزدیک و در مقابل این سوال شما که چرا به این کار زشت دست زدید، سرشان را نمیتوانند بالا بگیرند و به آن افتخار کنند!

دوستان! هیچ کس در بی اعتبار کردن کمونیستها و کمونیسم کارگری نفعی نخواهد برد جز دشمنان ما که هم اکنون زبانشان دراز شده و حمله شان را به کمونیسم و کارگر و منصور حکمت شروع کرده اند. ما به این دوستان گفتیم با اهانت به ما و بی اعتبار کردن ما خودتان را هم بی اعتبار میکنید و کردند. اما این دوره بسیار سریع من علیرغم این افت و سقوط

وحشتناک سیاسی و اخلاقی غیر منتظره کسانی که تا دیروز در کنار هم بودیم، هنوز هم معتقدم منصور حکمت و داده های تئوریک و سیاسی و برنامه ای او نقطه اشتراک جنبش ما و اتحاد ما است. علیرغم هر ادعایی، تا کنون کسی يك کلمه به منصور حکمت نیفزوده است و احتیاجی هم نبوده است. اما متأسفانه کسانی که امروز بخش عظیم شخصیتها و نقطه قوت جنبش ما را راست و ارتجاعی و بورژوا و حجابی و فراری از سوسیالیسم مینامند، در تضعیف این جنبش سنگ تمام گذاشته اند و این تف سربالا است و نفعی عاید کسی نمیکند.

کارگران، زنان، جوانان، مردم آزادیخواه!

حکمتیسم و جنبش کمونیسم کارگری جنبشی برای آزادی و رهایی بشریت است. جنبشی برای رهایی کارگر از بردگی مزدی و برقراری جامعه ای برابر و انسانی است، جنبشی برای سرنگونی بی اما و اگر و فوری جمهوری اسلامی است. جنبشی برای رهایی زن از تبعیض و ستم و آپارتاید جنسی است، جنبشی برای اعاده حقوق انسانی به همه شهروندان است، برای اعاده مدنیت و حرمت انسانی به همه آحاد جامعه، اعم از زن و مرد و جوان و کودک است، جنبشی برای با افتخار زیستن

انسانها در کنار همدیگر فارغ از مذهب و ملت و قوم و زبان و جنس و غیره است. جنبشی برای سعادت بشر است. این جنبش را بچسپید و تقویتش کنید.

در خاتمه باید بگویم که متأسفانه این روزها کسانی هم پیدا شده اند که با شعار زنده باد کمونیسم کارگری و درود برای منصور حکمت جنبش ما را، شخصیتهای این جنبش را (از هر دو حزب) زیر ضرب و اتهام و حتی فحاشی قرار میدهند. این هم در نتیجه همان تبلیغات بچوب و کودکانه و تخریب اعتماد و احترامی است که در بالا به آن پرداختم. من به این انسانهایی که به بهانه دفاع از منصور حکمت نوك حمله شان را متوجه حکمتیسم ما و حتی شخصیتهای حزب کمونیست کارگری ایران کرده اند، توصیه میکنم به جای این کار علیه دشمنان رنگارنگ کمونیسم و کارگر و بشریت بنویسند و اقدام کنند. کسی در تضعیف جنبش ما نفعی نمیرد. کمونیسم کارگری و حکمتیسم تنها امید چپ و کارگر و انسانیت و برابری در ایران است. این جنبش را باید تقویت کرد و به آن پیوست.

مظفر محمدی

۹ شهریور ۸۳

(۳۰ آگوست ۲۰۰۴)

تحولات در حزب کمونیست کارگری

از صفحه ۴

پیدا کرده است. بارها شاهد بودیم، حقیقت را فدای سیاست کردند، و این اصل پایهای کمونیسم کارگری را زیر پا گذاشتند. يك اختلاف اساسی دیگر ما نحوه برخورد به خود حزب و مناسبات و موازین آن است. بنا به مصلحت سیاسی سلسله مراتب حزب و موازین آن را کنار میگذارند. موارد برجسته آن، همین اقدامات اخیر حمید تقوایی که زمانی متوجه شد، در پلنوم کمیته مرکزی در اقلیت است، به قول خودش آن را دور زد. انحلال حزب و سلسله مراتب آن را اعلام کرد، باتوجه به ضعف و استیصال، به دور از رعایت هر پرنسیپ و موازین حزبی، شورش از پایین همچون روش مائوئی را تحت نام فراخوان به

نمایندگی می کنند. چپ و کمونیسم بی افق محصول انقلاب ۵۷، چپ سانتر، حاشیه ای و بی افقی که تنها با تکرار مقولات عمومی "انقلاب، شورا، قیام" می خواهد دنیای سیاست خود را توضیح دهد. به این وسیله عجز و ناتوانی خود در توضیح دنیای پیرامون و روندهای پیچیده نشان میدهد. این جریان در اساس با متد خلاق و زنده کمونیسم کارگری و منصور حکمت بیگانه است. متد دخالنگر و پراتیک و زنده کمونیسم کارگری، مارکسیسم پراتیک، محوری ترین اختلاف با چپ سنتی و حاشیه ای است. محور اختلاف ما متدیک است.

اکتبر: سئوالات متعددی مطرح است. در این مصاحبه نمیتوان به همه آنها پرداخت، امیدواریم در فرصتهای دیگر به آنها بپردازیم. در خاتمه میخواهیم پرسیم، کمیته کردستان به عنوان تشکیلات به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پیوسته است. آن را در همان اطلاعیه پیوستن به حزب اعلام کرده ایم، که در همین شماره نشریه چاپ شده است. خیلی ساده چون اکثریت قاطع رهبری و شخصیتها و کادرهای کمیته کردستان به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پیوسته اند. اکثر آنها از موسسین حزب هستند. در همفکری و تبادل نظر اکثریت قاطع این کمیته، لازم دیدیم پیوستن خود را به حزب اعلام کنیم. کمیته کردستان کمیته ای بزرگ و درگیر در مبارزات سیاسی و اجتماعی گسترده است. پافشاری بر سیاستها و استراتژی حزب و قدرت سیاسی و دیگر سیاستهای تحول بخش منصور حکمت را از کانال حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با

شفافیت ادامه میدهیم. این کمیته با همان مکانیسم و ساختار، یعنی، دیرو هیئت اجرایی و خزانه دار و کمیته های شهری و دیگر سازمانهای مربوطه از این بعد به عنوان کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به فعالیت ادامه میدهد.

علاوه بر کمیته کردستان، کمیته شهرهای سنندج، بوکان، مریوان، پاوه و اورامانات، سقز نیز پیوستن خود را به حزب حکمتیست اعلام کرده اند. همینجا از همه فعالین کمونیست، کارگران و زنان و جوانان و مردم آزادیخواه میخواهیم دست در دست هم کارو فعالیت کمونیستی و انقلابی را در صفوف حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ادامه دهیم. این حزب همه انسانهایی است که برای آزادی و برابری و بنیاد گذاشتن جمهوری اسلامی تلاش میکنند.

اول سپتامبر ۲۰۰۴



مصاحبه با مظفر محمدی در مورد سفر خاتمی به کردستان

این مصاحبه مدتی قبل توسط رادیو اترانسایونال انجام شده است، که متن پیاده شده آنرا در اینجا میخوانید.

اکتبر

سوال: این روزها خاتمی به کردستان آمده و یک سری پروژه اقتصادی را افتتاح کرده است، این سفر و بخصوص پروژه های مورد نظر از چه اهمیتی برخوردار است و چه اهدافی را دنبال میکند؟

مظفر محمدی: اولاً بلحاظ اقتصادی این نمایشها و اقدامات بی اهمیت است. هیچ پروژه اقتصادی رژیم حتی اگر به مرحله بهره برداری هم برسد چند سالی دوام نیاورد و ورشکستگی و رکود در انتظارش است. چون هر پروژه تنها در وابستگی به این و آن محفل و جناح و کارتل اقتصادی میتواند به حیاتش ادامه دهد. معیار تداوم کارش هم این است که چقدر سود و پول عاید مدیران و صاحبانش میکند، نه رشد و شکوفایی آن شاخه و شعبه صنعتی. در این پروژهها رفیق دوستها، کمپانی رفسنجانی و پسران، یزیدها و غیره دست دارند. ساهاست بنگاههای صنعتی وابسته به بنیاد جانبازان و مستضعفین ورشکسته اند و نفسهای آخر را میکشند. کارخانه نساجی کردستان وابسته به این بنیاد علاوه بر اینکه نصف کارگران را به تدریج اخراج کرده اند هم اکنون بخش بافندگی را بسته اند و میخواهند کارگران را مجبور به باز خرید کنند. میخواهند آن را به بخش خصوصی واگذار کنند و خریداران گفته اند کارگران رسمی را اخراج کنید تا بخریم و در عوض کارگر قراردادی استخدام میکنیم که هیچ حقوق و بیمه ای شاملشان نمیشود. هم اکنون بیشتر کارگران

چگونه خاتمی و دارو دسته اصلاح طلبش توانسته اند ۸ سال دیگر بر عمر جمهوری اسلامی بیفزایند.

بنابراین دیگر حضور خاتمی نه تنها برای مردم کردستان بلکه حتی برای همپاکیهای ۲ خردادی خودش و ناسیونالیستهای کرد که به او امید مذاکره و سازش بسته بودند خوشایند نیست.

سوال: اگر پروژه های اقتصادی خاتمی که گفته میخواید گام مثبتی در رفع محرومیت مردم کردستان است بی اهمیت است، مردم کردستان به این سفر خاتمی بخصوص پس از دو دوره ریاست جمهوری اش چگونه می نگرند؟

مظفر محمدی: مشکل مردم ایران و کردستان با خاتمی و رژیم قبل از هر چیز سیاسی است. هیچ کارگر و زحمتکش و زن و جوان و فرهنگی و کارمندی نیست که پس از نزدیک ۳ دهه تجربه زندگی تحت قوانین جمهوری اسلامی دل به اصلاحات اقتصادی و رفاه و گشایش در زندگی بستاند. مردم زندگی زیر خط فقر، بیکاری و بی حقوقی و وجود اعتیاد و فساد و فحشا را تجربه کرده اند. مردم میدانند مانع اصلی بر سر راه رفاه و خوشبختی آنها خود رژیم است.

مگر میشود برای زنان که نصف جامعه را تشکیل میدهند، در رژیم آپارتاید جنسی انتظار رفاه را داشت؟ مگر میشود در رژیم مذهبی و اسلامی و دخالت مذهب در کوچکترین مسایل و زندگی مردم، جوان بتواند با خیال راحت درس بخواند و شغل پیدا کند و زندگیش را بکند؟ هیچ جوانی دیگر این توهم را ندارد. جوانان میگویند زندگی و حتی ازدواج شان را گذاشته اند برای پس از جمهوری اسلامی. هر ذره خوشبختی و سعادت به رفتن این رژیم گره خورده است. مردم کردستان زخمهای عمیق لشکرکشی جمهوری اسلامی به کردستان، قتل عام مردم، شکنجه و زندانی کردن و اعدام بهترین فرزندان شان را

فراموش نکرده اند. جنایات خلخالی حاکم شرع وقت رژیم که عضو جبهه ۲ خرداد خاتمی بود فراموش نشده است. اعدام کارگران و فعالینی همچون "چراغ ویسی" فراموش نشده، فاجعه ۳ اسفند فراموش نشده، دستگیری و زندانی کردن و محاکمه کسانی که جرمشان شرکت در مراسم اول مه سقر است همین حالا در جریان است. میلیتاریزم و فضای نظامی شهرها و مناطق کردستان در این ۳ دهه مدام وجود داشته و خاتمی در پناه سرنیزه نیروی ویژه و کلاه سبز و پاسدارانش به کردستان آمده است. خاتمی نمیتواند ۱۰۰ نفر را جایی جمع کند و بی دغدغه برایشان حرف بزند. تنها مزدوران رژیم و مرتجعین محل هستند که دورش جمع میشوند تا به همدیگر دلخوشی بدهند و ورد بخوانند برای ادامه حیاتشان تا چند صباح دیگر.

گفتم، مشکل مردم با خود خاتمی و رژیمش است. هر گونه آزادی و رفاه و حرمت انسانی زن و خوشبختی جوان به رفتن این رژیم گره خورده است. جوانان میگویند، نجات زندگیمان و عشقمان در انداختن رژیم است. باید برای یک روز زودتر رسیدن به زندگی و عشق و انسانیت عجله کنیم. مردم واقعا عجله دارند و در کمین فرصت اند.

سوال: بطور کلی کردستان برای رژیم و بقا و فانی او چه جایگاهی دارد؟

مظفر محمدی: این منطقه هنوز هم یک کانون بحران جدی است برای رژیم. کردستان تا مدتها اشغال نظامی شده بود و رژیم با زور اسلحه حکومت میکرد و هنوز هم میکند. جامعه کردستان بشدت سیاسی و ضد رژیم است. این جامعه قطبی شده و یک جامعه حزبییت یافته هم هست. احزاب سیاسی با نفوذ اجتماعی وجود دارند. جامعه قطبی شده و سیاسی کردستان اگر صرفا مال ناسیونالیستها و راست این جامعه بود رژیم مشکل جدی با آن

نداشت. رژیم با جنبش جدایی طلبانه ناسیونالیستها روبرو نیست. ناسیونالیسم کرد همیشه آماده سازش با رژیم بوده و بارها سر خود را هم در این راه به باد داده است. این جامعه سیاسی و قطبی و حزبی، چپ است. رادیکالیسم و سوسیالیسم و برابری طلبی در آن قوی است و در خیلی مناطق و موارد دست بالا دارد.

در شرایطی که رژیم ضعیفتر شده و زیر ضرب سنگین تر جنبش سرنگونی قرار بگیرد در کردستان زودتر از هر جا کنترل اوضاع را از دست میدهد و احزاب سیاسی و مردم کنترل را بدست خواهند گرفت. همانطور که اشاره کردم، کردستان یک کانون خطر برای رژیم بوده و هست. تلاشهای اخیر رژیم برای پروبال دادن به ناسیونالیسم کرد و مماشات با آنها نشانه همین است. شاخه های مختلف پ.ک.ک در منطقه اجازه فعالیت سیاسی داشته و حضور مسلحانه دارند. صدها محفل و گروه و نشریه ناسیونالیستی راه انداخته اند که حرف همه شان

کردیه تی در پناه اسلام است. هم از نظر ما و مردم و از نظر رژیم هم، جنبش رادیکال سیاسی در کردستان تنها به کردستان محدود نمیشود. این جنبش چپ، چشم به تهران دارد، بر آن تاثیر گذاشته و از آن تاثیر میگیرد. الگوی این جنبش، حکومت کردها در کردستان عراق و غیره نیست. الگویش ایرانی آزاد و برابر، رفاه و خوشبختی و آزادی و برابری زن و مرد و آزادیهای بی قید و شرط سیاسی است. به همین لحاظ این منطقه مورد توجه رژیم است. رژیم مواظب کنترل اوضاع است هم با تشدید سرکوب و میلیتاریزم و هم با فریب و ریاکاری و وعده و وعید رفاه. اما نه فشار و تهدید رژیم و نه فریب و لبخندهای امثال خاتمی و "مردم خوب" نامیدن اهالی کردستان دیگر دردی از رژیم درمان نمیکند. جمهوری اسلامی شانسش برای بقا ندارد. ❖

کمیته سنندج، کارگران، زنان، جوانان و همه مردم آزادیخواه را به پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست فرا میخواند.

زنده باد منصور حکمت
زنده باد کمونیسم کارگری
کمیته سنندج حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
دبیر کمیته مظفر محمدی
۶ شهریور ۸۳

به دنبال اختلافات در حزب کمونیست کارگری ایران، کمیته سنندج از این حزب جدا شده و پیوستن خود را به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست اعلام میدارد.

اعلام پیوستن کمیته سنندج حزب کمونیست کارگری ایران به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران:

قادریان، سعید کرامت، سعید یگانه، صالح سرداری، طه حسینی، عبدالله دارابی، عبدالله شریفی، فاتح شیخ، کورش مدرسی، مجید گلچینی، اسد نودینیان، اسعد کوشا، اسماعیل ویسی، اعظم کم گویان، امان کفا، امجد غفور، ایرج فرزاد، بهرام مدرسی، بهروز مدرسی، ثریا شهابی، حسین مرادیگی- حمه سور، خالد حاج محمدی، داریوش نیکنام، رحمان حسین زاده، ریبوار احمد، سلام زیجی، سمیر عادل، سعید

اطلاعیه اعلام موجودیت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مبارزه میکند. سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از ملزومات اولیه تحقق این هدف است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ایجاد یک حزب سیاسی مدرن، اجتماعی و توده ای کمونیستی در ایران و تصرف قدرت سیاسی را بعنوان شرط سازمان دادن انقلاب اجتماعی طبقه کارگر هدف قرار میدهد.

۳ شهریور ۱۳۸۳
۲۴ اوت ۲۰۰۴

انسانها و شکوفایی خلاقیت های مادی و معنوی بشری است. حزب ما تداوم بخش جنبش کمونیسم کارگری و همان افق و خط مشی است که منصور حکمت پرچم آنرا بر افراشت و به این اعتبار خود را حکمتیست میداند.

حزب ما یک حزب انترناسیونالیستی است و برای همبستگی بین المللی طبقه کارگر تلاش میکند. حزب کمونیست کارگری حکمتیست برای تحقق اهداف جهانی طبقه کارگر مبارزه میکند و دفاع از منافع کارگران جهان را وظیفه خود میداند. در ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای تبدیل طبقه کارگر به یک نیروی قدرتمند اجتماعی و سیاسی، استقرار حکومت کارگری یعنی جمهوری سوسیالیستی و تحقق برنامه "یک دنیای بهتر"

با این اطلاعیه تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و آغاز فعالیت آن را اعلام میکنیم.

این حزب، ادامه سنت حزبی کمونیسم کارگری و خط منصور حکمت است که به دنبال تحولات درونی حزب کمونیست کارگری ایران ناچار به سازماندهی کمونیسم کارگری در قالب حزبی جدید شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست یک حزب مارکسیستی متعهد به سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر برای برچیدن نظام سرمایه داری و برپایی جامعه‌ای نوین مبتنی بر برابری اقتصادی و اجتماعی، آزادی سیاسی

اعلام پیوستن کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

حکمتیست به فعالیت خود ادامه میدهد.

این حزب تداوم بخش جنبش کمونیسم کارگری و همان افق و خط مشی است که منصور حکمت آن را برافراشت. ما کارگران، زنان، جوانان و همه مردم آزادیخواه را به پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست فرا میخوانیم.

**زنده باد کمونیسم کارگری
زنده باد منصور حکمت**
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۵ شهریور ۱۳۸۳
۲۴ اوت ۲۰۰۴

حزب کمونیست کارگری (۴۳ نفر از جمع ۵۱ نفری اعضا و مشاورین این کمیته) در همفکری و تبادل نظر با هم، پیوستن کمیته کردستان را به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست تایید نمودند. به این ترتیب به دنبال انتشار این اطلاعیه، این کمیته، به عنوان کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران -

به دنبال تحولات درونی حزب کمونیست کارگری ایران، و با جدایی طیف وسیعی از اعضای رهبری و شخصیت‌های شناخته شده از آن حزب، در تاریخ ۳ شهریور ۱۳۸۳ حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست اعلام موجودیت کرد. به دنبال این واقعه اکثریت قاطع اعضا و مشاورین کمیته کردستان

تعدادی از رهبران این حزب با روش های چپ فرقه ای حزب را به انحلال کشاندند. در مقابل اکثریت رهبران شناخته شده کمونیست، طرفداران خط سیاسی منصور حکمت، ناچاراً در جهت تداوم تحزب کمونیستی کارگری، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست را تشکیل دادند. ما کمیته پاه و اورامانات حزب

اطلاعیه کمیته پاه و اورامانات حزب کمونیست کارگری ایران
در نتیجه تقابل کمونیسم کارگری و چپ سنتی در حزب کمونیست کارگری ایران، متاسفانه سرانجام

**اطلاعیه کمیته بوکان حزب کمونیست کارگری ایران
کناره گیری از حزب کمونیست کارگری ایران
و پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**
کمیته شهر بوکان حزب کمونیست کارگر ایران که خود درگیر مباحثات اخیر درون حزب بود، به اتفاق تلاش اکثریت کمیته مرکزی حزب و بخش اعظم کادرها و اعضای کمونیسم کارگری صمیمانه تلاش کرد که جدائی در حزب رخ ندهد. تلاش ما نیز همانند بخش اعظم رهبری و فعالین حزب بدلیل ماجراجویی های حمید تقوایی و رفتار غیر مسئولانه اقلیت کمیته مرکزی در برخورد به نظرات سیاسی مخالف در درون حزب و بدلیل متوسل شدن آنها به مکانیزم‌هایی که تماماً با مبانی فکری و سیاسی و موازین سازمانی حزب و کمونیسم کارگری در تضاد بود، ناکام ماند. کمیته شهر بوکان نیز به اتفاق اکثریت رهبری حزب راهش را از سیاستهای اعمال شده بر حزب کمونیست کارگری جدا خواهد کرد. کمیته شهر بوکان حزب کمونیست کارگری از این تاریخ تحزب و فعالیت‌های خود را در راستای پلاتفرم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، که پلاتفرم تاکتونی منصور حکمت و جنبش کمونیسم کارگری برای رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر، و برای برقراری جمهوری سوسیالیستی در ایران می باشد، با جدیت ادامه خواهد داد. کمیته شهر بوکان همه کارگران، جوانان، زنان و مردم آزادیخواه را به صفوف حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست فرا میخواند.

**زنده باد منصور حکمت!
زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست!
مرگ بر جمهوری اسلامی!**
کمیته شهر بوکان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
دبیر کمیته: سلام زیجی
۲۶ اوت ۲۰۰۴
۰۰۴۶۷۳۶۲۷۹۵۹

بیانیه اکثریت کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری در باره کناره گیری از حزب کمونیست کارگری ایران

اختلافاتی که در رهبری حزب کمونیست کارگری ایران سابقه داشت در طی دو سال گذشته، به دنبال از دست دادن منصور حکمت، بالا گرفت. این اختلافات بعد از کنگره چهارم ابعاد همه جانبه ای یافت و طی چند ماه گذشته رهبری حزب را فلج کرد. نفس وجود اختلاف در حزب کمونیست کارگری جدید نیست. آنچه که تازه است نحوه برخورد به این اختلافات از جانب بخشی از رهبری حزب است. برای رسیدگی به این اختلافات و یافتن راه حل خروج حزب از این بن بست، دو ماه پیش، پلنوم کمیته مرکزی حزب برای اواخر سپتامبر فراخوانده شد. اما رفیق حمید تقوایی، لیبر حزب در سمینار اینترنتی در روز ۲۱ اوت ۲۰۰۴ تصمیمات محیرالعقول و غیر قانونی جدیدی را اعلام کرد دایر بر اینکه:

۱- پلنوم کمیته مرکزی حزب را برسمیت نیشناسد و علیرغم درخواست اکثریت اعضای کمیته مرکزی در پلنوم حضور بهم نخواهد رساند و اصولاً حکم کمیته مرکزی را نمیپذیرد. این اقدام مطابق اصول سازمانی حزب و طرح ارگانهای رهبری حزب که همه ما هنگام انتخاب به عضویت کمیته مرکزی توسط کنگره پذیرفته ایم و مطابق ابتدائی ترین سنن سازمانی و حزبی غیر قانونی است.

۲- رفیق تقوایی جمعی از اعضای حزب در خارج کشور را برای اواسط سپتامبر فرا خواند و اعلام کرد که این تجمع کنگره فوق العاده حزب است. مطابق اصول سازمانی حزب کمونیست کارگری کنگره مجمع

نمایندگان تشکیلاتهای حزب است و کل حزب را نمایندگی میکند. مجمعی که رفیق تقوایی فراخوان آن را داده است جمعی اختیاری است که امکان سفر به محل جلسه را دارند و به هیچ وجه تشکیلاتهای حزب کمونیست کارگری را نمایندگی نمیکند. جایگزین کردن کنگره با چنین جمع اختیاری اعضای هم خط اقلیت کمیته مرکزی مطابق بدیهی ترین سنن حزبی غیر قابل قبول و غیر قانونی است.

این تصمیمات مخالف هر سنت و قانون مکتوب و توافق شده حزب است. حزب کمونیست کارگری ایران، پلنوم آن، و تمام کمیته های حزبی و سلسله مراتب تشکیلاتی آن به این ترتیب از زبان لیبر آن منحل اعلام شدند. حمید تقوایی در واقع حکم انحلال حزب را اعلام کرده است بدون اینکه چنین اختیاری داشته باشد. کسی که امروز حزب را علیه تعهدات خود و فراتر از هر اختیار حزبی منحل اعلام میکند، نمیتواند به هیچ پرنسیپی متعهد بماند. این رفتار علیه تحزب سیاسی کمونیسم کارگری است و بازگشت به سنت جریاناتی است که نه بر اساس اصول و مقررات مدون و توافق شده و نه در چارچوب اختیارات تعریف شده تشکیلاتی، بلکه بر اساس احکام و فتوای قائل مابرای قانون عمل میکنند.

لازم نبود که اختلافات درونی حزب کمونیست کارگری ایران به اینجا کشیده شود. نامه ۲۲ نفر از اعضای کمیته مرکزی که مورد حمایت اکثریت این کمیته و همچنین، دفتر سیاسی و لیبر حزب کمونیست

کارگری عراق قرار گرفت راه اصولی حفظ اتحاد حزب را پیش پای همه قرار داد. متأسفانه رفیق تقوایی و هم نظرانشان، از آنجا که اقلیت کمیته مرکزی را تشکیل میدهند، تصمیم به برهم ریختن حزب و زیر پا نهادن کلیه موازین، اصول و نهادهای حزبی گرفتند. بجای اتکا به شیوه های توافق شده در یک حزب مدرن و سیاسی، کلیه سنت های حزب کمونیست کارگری، عینی دستاوردهای تائکونی این حزب را زیر پا گذاشتند.

این رفتار ما را در مقابل یک انتخاب قرار داده است. میتوانیم با اتکا به اکثریت مان در کمیته مرکزی، لیبر حزب را برکنار کنیم، دفتر سیاسی را مجدداً انتخاب کنیم، اجتماع فراخوان داده شده توسط حمید تقوایی را غیر قانونی اعلام کنیم و امور حزب را بدست بگیریم. اما در این صورت، با توجه به عدم پایداری اقلیت کمیته مرکزی به هیچ معیار و اصولی و با توجه به رفتار ماجراجویانه و بکلی غیر مسئولانه آنها، شاهد تجزیه حزب کمونیست کارگری به دو حزب هم نام خواهیم بود. دو حزبی که بر سر نام و بر سر اموال به جان هم افتاده اند. این در واقع تکرار سناریو همیشگی سکت های سنتی چپ است. در چنین کشمکش هر طرف هم که پیروز شود، کمونیسم کارگری و بویژه خط منصور حکمت بازنده است. در اینصورت در جامعه حیثیت و اعتباری برای هیچ یک از طرفین باقی نخواهد ماند.

ما این راه را انتخاب نمی کنیم. جامعه و فضای سیاسی ایران و اعتبار کمونیسم کارگری دریچه ای

برای دخالت در زندگی انسانها و تحقق آزادی و برابری را فراهم کرده است که در چنین مسیری بکلی بسته میشود و همه ما را مشغول یک جنگ فرقه ای نابود کننده خواهد کرد. و از کمونیسم کارگری چیزی بجای نخواهد ماند. این سنت ما نیست.

اما انتخاب دومی هم هست. برای دفاع از حرمت همه انسانهایی که احترامشان به احترام کمونیسم کارگری گره خورده است، برای باز نگاه داشتن امکان دخالت در فضای سیاسی ایران بعنوان یک جریان سیاسی و توده ای کمونیست و تحقق دنیای بهتر، ما راهمان را از حزب کمونیست کارگری ایران جدا میکنیم، از این حزب خارج میشویم، از هر ادعائی بر نام و اموال حزب کمونیست کارگری ایران صرف نظر میکنیم و تحزب کمونیسم کارگری را در یک حزب دیگر متحقق میکنیم. این راه سیاسی تر است. این راه سالم تر است. این راه منفعت طولانی این جریان را بیشتر حفظ خواهد کرد. از همه مهمتر این راه در سنت سیاسی و سالم خط منصور حکمت است. ما متعاقباً اسناد اختلافات درونی حزب را قابل دسترس خواهیم کرد تا هر کس بتواند تصویری ابژکتیو از سیر تحولات حزب کمونیست کارگری بدست آورد.

این اقدام قطعاً ما را به لحاظ سازمانی و امکانات، بویژه رادیو و تلویزیون، ضعیف خواهد کرد. اما با داشتن یک خط روشن سیاسی، با داشتن بخش اصلی استخوانبندی کادرهای کمونیسم کارگری در خارج و در داخل ایران، در فاصله کوتاهی همه این امکانات را باز سازی خواهیم کرد.

زنده باد کمونیسم کارگری زنده باد منصور حکمت

۲۰۰۴ اوت ۲۴

۳ شهریور ۱۳۸۳

- ۱- آذر مدرسی (عضو دفتر سیاسی)
- ۲- اسد گلچینی (عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته تشکیلات کل کشور)
- ۳- اسد نودینیان (عضو هیات دبیران)
- ۴- اعظم کم گویان
- ۵- امان کفا
- ۶- ایرج فرزاد (عضو دفتر سیاسی - سردبیر نشریه ایسکرا)
- ۷- بهرام مدرسی (دبیر سازمان جوانان کمونیست)
- ۸- ثریا شهابی (عضو دفتر سیاسی)
- ۹- حسین مرادیگی - حمه سور (عضو دفتر سیاسی)
- ۱۰- خالد حاج محمدی (مسئول شهرهای کردستان و دبیر کمیته سقز)
- ۱۱- رحمان حسین زاده (عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته کردستان)
- ۱۲- ریبوار احمد (لیبر حزب کمونیست کارگری عراق)
- ۱۳- صالح سرداری (دبیر کمیته شهر مریوان)
- ۱۴- صلاح ایران دوست (یکی از دو مسئول سایت اینترنتی روزنه)
- ۱۵- عبدالله دارابی (عضو دفتر سیاسی)
- ۱۶- فاتح شیخ (عضو دفتر سیاسی)
- ۱۷- کورش مدرسی (رئیس دفتر سیاسی)
- ۱۸- مجید حسینی (عضو دفتر سیاسی)
- ۱۹- محمد فتاحی
- ۲۰- محمود قزوینی (دبیر تشکیلات دانمارک)
- ۲۱- مظفر محمدی (دبیر کمیته شهر سنندج)
- ۲۲- مهرنوش موسوی
- ۲۳- نسان نودینیان (دبیر کمیته آلمان)
- ۲۴- نسرین جلالی

دبیر کمیته: خالد حاج محمدی

۱۳ شهریور ۱۳۸۳

۲۷ اوت ۲۰۰۴

همه کارگران، زنان، جوانان و مردم آزادیخواه و برابری طلب را به پیوستن به این حزب فرامیخوانیم.
زنده باد منصور حکمت
زنده باد کمونیسم کارگری
کمیته سقز حزب
کمونیست کارگری ایران

اعلام موجودیت کرد.
بدنبال این واقعه ما در کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران برای ادامه فعالیت و پیشبرد اهداف کارگری کمونیستی خود به حزب کمونیست کارگری ایران (حکمتیست) میپیوندیم. همزمان

بدنبال تحولات در حزب کمونیست کارگری ایران که به جدایی طیف وسیعی از اعضا رهبری و کادرها و اعضای حزب انجامید و سرانجام حزب کمونیست کارگری ایران (حکمتیست) در سوم شهریور ۱۳۸۳ برابر با ۲۴ اوت ۲۰۰۴

**پیوستن کمیته سقز
حزب کمونیست کارگری
ایران به
حزب کمونیست کارگری
ایران-حکمتیست**

قتل "ناموسی" ننگ بشریت است!



این نوشته گلاویز قادر نژاد تلخیصی از مقاله مفصل و تحلیلی تر اوست که برای این شماره اکتبر تنظیم شده است.

خاطره تلخ و جانگداز لیلیا از یک قتل ناموسی تمام عمق کشفات ناسیونالیسم، نسبیت فرهنگی و نتیجه جنایتکارانه سلطه اسلام سیاسی و تبعات مردسالارانه آنها را آشکار میکند.

جامعه‌ای سالم است که بر اساس آزادی انسانها پایه گذاری شده باشد و جامعه‌ای آزاد است که بر اساس برابری انسانها بنا شده باشد.

- در ظرف دو ماه، مارچ و اپریل ۲۰۰۴ در استان خوزستان در ایران ۴۵ نفر زن زیر ۲۰ سال بدست پدر، برادر، عمو و دایی خود فقط در یک طایفه به قتل رسیدند.

- نبی با افتخار و خونسردی کامل هنگامی که کیسه‌ای سفید و خون لود حاوی سر بریده دختر ۱۲ ساله اش، مریم را در دست دارد دم در دادگاه جلو دوربین رفته و عکس یادگاری گرفته است.

- چند هفته قبل در ایران، در شهرستان پاره پاره پوری دختر ۲۱ ساله اش رابه رگبار گلوله بست چون تن به ازدواج اجباری نداد.

- هولیا یاکار در ترکیه بدست پسر ۱۱ ساله اش بقتل رسید چون هولیا زیاد بیرون رفته است. - در ۲۲ اکتبر ۱۹۹۴ کالتوم احمد، ۱۲ ساله در اربیل عراق طعمه قتل ناموسی شد. پسر همسایه به کالتوم تجاوز میکند، خانواده متجاوز بهمراه ارباب و دست اندرکاران محلی کالتوم را به بیرون شهر میبرند او را توسط برادرهایش میکشند.

- فادیمه در سوئد توسط پدرش به قتل رسید زیرا پسری را دوست

داشت. - پیلارا از سوئد به کردستان عراق باز گردانند و چون تن به ازدواج اجباری نداد بدست پدر و عموهایش کشته شد. - در بیرمنگام انگلستان، ساهجده بی بی ۲۱ ساله در روز عروسی اش توسط پسر عموهایش بقتل رسید چون ساهجده طبق رسوم طایفه ای با بزرگترین پسر عمویش ازدواج نکرد بلکه با مردی که دوست داشت ازدواج می‌کرد. - در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۳ خیر دلخراش کشته شدن هیشو ۱۶ ساله از کردستان عراق شهر لندن در انگلستان را تکان داد. هیشو بدست پدرش بقتل رسید چون او دوست پسر داشت.

طبق آمار غیر رسمی در طول ده سال گذشته تنها در کردستان عراق بیش از هفت هزار نفر زن و دختر نوجوان به اسم "ناموس" بقتل رسیده اند، در اردن و یمن و مصر و فلسطین و هند و پاکستان و ایران هم سالانه هزارها زن بقتل میرسند.

قتل ناموسی بحث کشتن یک زن نیست بلکه بحث کشتن روح زن و زن است. پدیده قتل ناموسی بخشی از یک حمله تروریستی وسیعتر به نصفی از جامعه یعنی زنان که البته قربانیان آن کمتر از قربانیان پدیده ای که امروز در جهان به اسم تروریسم شناخته شده است، نیست.

زندگی لیلیا از زبان خودش پدرم خیلی مسن تر از مادرم بود و مادر من یکی از چهار همسر پدرم بود. در خانه ما دائما صدای داد و فریاد و فحاشی پدرم را میشنیدید، حتی هنگامی که در خانه نبود و به اصطلاح سرکار بود خوف پرخاش و کتک کاریش ما را و مادرم را راحت نمی گذاشت. پدر جنایتکارم یکی از همسرانش و همچنین خواهر بزرگترم را بر اثر کتک کاری فلج کرد. مادرم هیچ کاری را بدون اجازه او نمیبایست انجام دهد. هر بهانه ای کافی بود تا مشت و لگد پدرم بر روی مادرم سرازیر شود. ما هم (بچه ها) از این کتک ها بی بهره نبودیم. یک روز صدای فحاشی پدرم و گریه و زاری مادرم بلند شد. پدرم، مادرم را با موهای میکشید و در مقابل مقاومت مادرم او را زیر مشت و

بخشهای مختلف کارگری در سرتاسر ایران روز ۱۷ شهریور تجمعات اعتراضی برپا میکنند

کارگران میگویند سازمان تأمین اجتماعی که قاعدتا میبایست کارش پیگیری حقوق اجتماعی کارگران باشد، خود به یک بنگاه اقتصادی بزرگ برضد آنها تبدیل شده است. این سازمان علاوه بر اینکه وعدههای خود را عملی نمیکند، مشکلاتی برای کارگران نیز بوجود آورده است. از جمله شانه خالی کردن از مطالبات کارگری از قبیل بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور، بازنشستگی با ۲۵ سال سابقه کار، احتساب دو سال سربازی در سنوات بیمه ای و سنواتی کارگران، بیمه بیکاری، کارگران قراردادی و موارد متعدد دیگر...

به این دلایل و در اعتراض به سازمان تأمین اجتماعی، بخشهای مختلف کارگران در تهران، کرمانشاه، بوشهر، نیشابور، کرمان و دیگر شهرهای ایران، ۱۷ شهریور در مقابل سازمان تأمین اجتماعی در این شهرها تجمع کرده و حقوق خود را مطالبه میکنند.

لازم به تذکر است که کانون شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر در تهران و دیگر شهرها تلاش میکنند که این اعتراضات را کنترل کرده و از برپایی تظاهرات کارگری جلوگیری نمایند. این نهادهای دولتی و ضد کارگری مرتباً به دولت و کارفرماها اطمینان خاطر میدهند، که اجتماعات کارگری در جلو سازمان تأمین اجتماعی در تهران و شهرستانها، ساکت، آرام و بصورت نشسته انجام خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست همه کارگران و رهبران و فعالین کارگری را به مبارزه پیگیر، هماهنگ و سراسری برای احقاق حقوق خود فرامیخواند. تأمین بیمه های اجتماعی و بیمه بیکاری خواست مشترک و حق بی بربرگرد کارگران است. اینها از مطالبات فوری و امر کل طبقه کارگر در ایران اعم از شاغل و بیکار است.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد مبارزه سراسری و همبستگی کارگران

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۱ شهریور ۸۳ (۳۱ آگوست ۲۰۰۴)

را که میگفت "بخاطر بچه ها مرا نکش،.....". قتل "ناموسی" ننگ بشریت است و بشریت باید برای پایان دادن به آن بکوشد.

گلاویز قادر نژاد (دیانا)

۶ آگوست ۲۰۰۴

به او بکنیم. پدرم باعصبانیت به آشپزخانه رفت و با سرعت برگشت. چاقو در دستش میچرخید و به مادرم حمله کرد و او را جلو چشمان ما کشت. بعد از آن جریان خواهر بزرگترم که فلج نیز شده بود لال شد و دیگر هرگز کلامی نگفت. لیلیا با گریه اضافه میکند که هرگز فراموش نخواهم کرد تمنای مادرم

لگد میگرفت، مادرم مقاومت میکرد اما دفاع نمیکرد، - چون زن که نمیبایست مرد را کتک بزند. - او را به زیر زمین کشید. من که آنموقع شش سال داشتم و خواهر و برادرم که از من کوچکتر بودند به گوشه ای خزیدیم تا خود را از پدر دور نگاهداریم. اما دلم برای مادرم کباب شده بود که نمیتوانستیم هیچ کمکی

بزودی در اکتبر منتشر میشود:

برنامه عمل کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و

مصاحبه با تعدادی از کادرهای این کمیته در باره آن

پیام پشتیبانی حزب کمونیست کارگری عراق از حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

حزب کمونیست کارگری ایران ضربه کاری بر جنبش کمونیسم کارگری بود، اما تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست چراغ امید روشن و فروزانی برای بیرون آوردن این جنبش از زیر بار آن ضربه و برافراشته نگاهداشتن پرچم

حزب کمونیست کارگری ایران ضربه کاری بر جنبش کمونیسم کارگری بود، اما تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست چراغ امید روشن و فروزانی برای بیرون آوردن این جنبش از زیر بار آن ضربه و برافراشته نگاهداشتن پرچم

روز ۲۴ اوت ۲۰۰۴ تشکیل و آغاز فعالیت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست بعنوان يك حزب جدید، توسط صف وسیعی از رهبران و شخصیت های شناخته شده حزب کمونیست کارگری ایران اعلام شد. با تاسف فراوان دویاره شدن

مارکسیسم و منصور حکمت و برنامه يك دنیای بهتر متکی هستند. بر این اساس حزب کمونیست کارگری عراق هم پیمانی و همزمی گرم و محکم خود با حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست را اعلام میکند و با تمام توان از مبارزه و تلاش آن برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی يك جمهوری سوسیالیستی در ایران، پشتیبانی میکند.

حزب کمونیست کارگری عراق، کارگران و زنان و جوانان و همه مردم

زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست!

زنده باد حکمتیسم!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری عراق
۲۵-۸-۲۰۰۴

کارگر افغانی بیشتر از کارگر ایرانی نان میخورد!

يك کارشناس مسایل اشتغال ایران که نامش ذکر نشده است در يك اظهار نظر بیشرمانه اعلام کرده است که حضور کارگران افغانی فشار زیادی به اقتصاد کشور وارد آورده و بسیاری از امتیازات رفاهی را که دولت مجبور به پرداخت یارانه در آنهاست به خود اختصاص میدهند!

این مزدور رژیم که کسی جز سردمداران شورای اسلامی کار، خانه کارگر و یا اداره کار رژیم نیست، در ادامه چنین استدلال میکند که "یارانه ای که به هر کیلو گرم آرد جهت پختن نان تخصیص داده میشود بیشتر به افغانیها تعلق میگیرد زیرا میانگین مصرف روزانه نان در خانواده های ایرانی به مراتب کمتر از مصرف افغانیهاست. بنابراین بخش عمده ای از بودجه کشور برای اتباع خارجی و بویژه افغانیها صرف میشود که این مبلغ میلیاردی و کلان است". مزدوران رژیم علاوه بر این تحریکات و تفرقه افکنی در صفوف طبقه کارگر حضور کارگران افغانی را عامل افزایش بیکاری نیز قلمداد میکنند. ضمن اینکه این تبلیغات ضد کارگری و ضد انسانی جمهوری اسلامی و عواملش در مواردی تخم کینه و تفرقه را در جامعه کارگری و در میان مردم کاشته شرایط ناامنی برای کارگران افغانی و خانواده هایشان فراهم نموده است، اما بخش آگاه جنبش کارگری ایران هیچگاه تسلیم این برخوردهای ضد کارگری رژیم نشده و کارگران افغانی را همسرنوشت خود دانسته و میدانند. عامل بیکاری، فقر و فلاکت طبقه کارگر ایران نه کارگر افغانی بلکه سرمایه داران و رژیم اسلامی شان است که کرور کرور در آمد و حاصل رنج کارگران را به جیبهای گشاد خویش سرازیر میکنند و هیچگاه سیر نمیشوند. تنها با بازپس گرفتن این درآمدها و حاصل کار و رنج طبقه کارگر از دست این جنایتکاران و سرنگونی رژیم اسلامیشان است که ما صاحب جامعه ای مرفه، آزاد، برابر و انسانی خواهیم شد. جامعه ای که در آن جا و نان برای همه صرفنظر از ملیت و نژاد و بعنوان شهروندان متساوی الحقوق وجود خواهد داشت.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد همبستگی کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۱ شهریور ۸۳ (۱ سپتامبر ۲۰۰۴)

کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ۴ و ۵ سپتامبر ۲۰۰۴ - گوتنبرگ سوئد

کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در روزهای چهارم و پنجم سپتامبر در شهر گوتنبرگ (یوتبوری) سوئد برگزار میشود. این کنفرانس علنی است و شرکت همگان در آن آزاد است. با توجه به محدودیت فضای سالن شرکت کنندگان باید از قبل ثبت نام کرده باشند.

ورود افراد زیر ۱۶ سال به کنفرانس مجاز نیست.

برای ثبت نام میتوانید با شماره تلفن و یا آدرس ای میل زیر تماس بگیرید.

تلفن تماس: 00447815902237

آدرس ای میل: conference_hkqh@yahoo.co.uk

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

ایران (حکمتیست) در سوم شهریور ۱۳۸۳ برابر با ۲۴ اوت ۲۰۰۴ اعلام موجودیت کرد.

زنده باد منصور حکمت
زنده باد کمونیسم کارگری

کمیته مریوان حزب

کمونیست

کارگری ایران

۷ شهریور ۱۳۸۳

ما در کمیته مریوان، حزب کمونیست کارگری حزب کمونیست کارگری ایران (حکمتیست) را نماینده کمونیسم کارگری و تنها ظرف مناسب پیشبرد مبارزه کمونیستی خود میدانند و به این حرب میپیونددیم.

ما همه کارگران، زنان، جوانان و مردم آزادیخواه و برابری طلب را به

پیوستن کمیته مریوان
حزب کمونیست کارگری
ایران به حزب کمونیست
کارگری ایران -
حکمتیست

تحولات درونی حزب کمونیست کارگری ایران منجر به جدایی بخش وسیعی از اعضا رهبری، کادرها، شخصیتهای شناخته شده و اعضای حزب شد. حزب کمونیست کارگری